



آکادمی آموزشی انگیزشی

نام آزمون: دستور زبان ادبیات ۲

زمان برگزاری: ۲۷ دقیقه

رویش

۱- در متن زیر چند «ترکیب وصفی و چند وابسته پیشین» به ترتیب، به کار رفته است؟
«این معلّم شریف باسواد، سفارش کرده بود که اگر سر قبر ویکتور هوگو رفتم، از جانب او فاتحه‌ای برای این نویسنده بزرگ بخوانم. این نامه مرا به فکر انداخت. متوجّه شدم که قدرت قلم این نویسنده تا چه حد بوده است.»

- ۱ شش، پنج ۲ هفت، چهار ۳ هفت، پنج ۴ هشت، پنج

۲- در کدام بیت جابجایی ضمیر متصل صورت نگرفته است؟

- ۱ به تن مقصّرَم از دولت ملازمتت ۲ از آن رنگ رُخَم خون در دل افتاد
۳ دلم ربودی و رفتی ولی نمی‌روی از دل ۴ شهنشاه من که مه آینه‌دار روی اوست
۵ ولی خلاصه جان خاک آستانه توست ۶ وز آن گلشن به خارم مبتلا کرد
۷ بیا که جان عزیزت فدای شکل و شمایل ۸ تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است

۳- معنی واژه ردیف در کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱ از دل سنگین لیلی کعبه جان ساختند ۲ خضر را زخم نمایان گشت عمر جاودان
۳ از هوسناکان حذر کن کاین گروه بی‌ادب ۴ می‌توان دامان بوی گل گرفت از دست باد
۵ از غبار خاطر مجنون بیابان ساختند ۶ تیغ سیراب تو را روزی که عریان ساختند
۷ مصر را بر یوسف بی‌جرم زندان ساختند ۸ وای بر جمعی که وقت خود پریشان ساختند

۴- در متن زیر به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و «ترکیب اضافی» وجود دارد؟
«در مطالعه شعر نیما، دید تازه‌ای او به جهان جلوه‌گر است؛ نگاه او به همه موجودات و دیگر پدیده‌ها یادآور نگاهی است که شاعران غرب به این پدیده‌ها دارند. دید اجتماعی نیما که در سروده‌های نمادین و انتقادی او تجلّی می‌یابد، در ادب فارسی نوین جایگاه ویژه دارد.»

- ۱ ده - هشت ۲ یازده - نه ۳ ده - نه ۴ یازده - هشت

۵- نقش واژه مشخص شده در کدام گزینه صحیح نیست؟

- ۱ هر آن وصفی که گویم، بیش از آنی ۲ به نام کردگار هفت افلاک
۳ زهی گویا ز تو، کام و زبانم ۴ چو در وقت بهار آبی پدیدار
۵ یقین دانم که بی‌شک جان جانی (مسند)
۶ که پیدا کرد آدم از کفی خاک (نهاد)
۷ تویی هم آشکارا هم نهانم (مسند)
۸ حقیقت پرده برداری ز رخسار (مفعول)

۶- در بیت «ای مرغ سحر عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد» نقش کدام دو گروه یکی است؟

- ۱ عشق - آن سوخته ۲ پروانه - آن سوخته ۳ جان - آواز ۴ آن سوخته - آواز

۷- نقش قسمت مشخص شده در کدام گزینه‌های دیگر یکسان نیست؟

- ۱ چنین آن دو ماهر در آداب ضرب ۲ دم تیغ بر گردنش چون رسید
۳ برافراخت پس دست خیبرگشا ۴ چو نمود رخ شاهد آرزو
۵ ز هم رد نمودند هفتاد حرب ۶ سر عمرو صد گام از تن پرید
۷ پی سر بریدن بیفشرد پا ۸ به هم حمله کردند باز از دو سو

۸- در کدام بیت، جابه‌جایی ضمیر متصل صورت گرفته است؟

- ۱ طفل اشکم خاک بازی‌ها کند در چشم تر ۲ هنوزت اجل دست خواهش نیست
۳ تالبت گفته به من سر سخندانی را ۴ گفتم که بر حیات راه نظر ببندم
۵ دیده از خاک درت روزی که گردد کامیاب ۶ برآور به درگاه دادار دست
۷ کرده سلطان سخن سنج قبول سخنم ۸ گفتا که شبرو است او از راه دیگر آید



۹- در همه گزینیه‌ها به جز گزینۀ هر دو ترکیب وصفی و اضافی وجود دارند.

- | | |
|-------------------------------|------------------------------|
| ۱) چه جانانه چرخ جنون می‌زنند | دفع عشق با دست خون می‌زنند |
| ۲) از آنها که خورشید فریادشان | دمید از گلوی سحرزادشان |
| ۳) هلا منکر جان و جانان ما | بزن زخم انکار بر جان ما |
| ۴) مگو سوخت جان من از فرط عشق | خموشی است هان، اولین شرط عشق |

۱۰- کدام گروه کلمه بر اساس الگوی «صفت + اسم + صفت + اسم + صفت + اسم + صفت + اسم» ساخته شده است؟

- | |
|--|
| ۱) برجسته ترین گروه ممتاز المپیاد فیزیک شرکت کننده در جشنواره های بین المللی |
| ۲) اولین همایش پر افتخار مردان قهرمان کشورهای مختلف جهان |
| ۳) آن دو زن دانشمند نامی و صاحب نظر قرون گذشته |
| ۴) نخستین دانش آموز درستکار و پرورش یافته مراکز علمی و هنری |

۱۱- در کدام بیت جابه جایی ضمیر متصل صورت گرفته است؟

- | | |
|------------------------------------|------------------------------------|
| ۱) نیک باشی و بدت گوید خلق | به که بد باشی و نیکت بینند |
| ۲) من ز دست تو خویشتن بکشم | تا تو دستم به خون نیالایی |
| ۳) عجب داری ار بار حکمش برم | که دایم به احسان و لطفش درم؟ |
| ۴) زیر شمشیر غمش رقص کنان باید رفت | کانکه شد کشته او نیک سرانجام افتاد |

۱۲- کدام گزینه برای بیت «بین لاله‌هایی که در باغ ماست / خموشند و فریادشان تا خداست» نادرست است؟

- ۱) جمله سوم «نهاد + مسند + فعل» است. ۲) جمله اول «نهاد + مفعول + فعل» است. ۳) جمله دوم: اسنادی است. ۴) بیت ۴ جمله دارد.

۱۳- در همه ابیات به جز بیت اجزای جمله به شیوه بلاغی بیان شده است.

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| ۱) هنرور چنین زندگانی کند | جفا بیند و مهربانی کند |
| ۲) دَرَد مست نادان گریبان مرد | که با شیر جنگی سگالد نبرد |
| ۳) ز هشیار عاقل نزدیک که دست | زند در گریبان نادان مست |
| ۴) از آن تیره دل، مرد صافی درون | قفا خورد و سر بر نکرد از سکون |

۱۴- در کدام بیت مَتم فعل بر سایر اجزای اصلی جمله، مقدم شده است؟

- | | |
|---|---------------------------------|
| ۱) با یاد تو زهر بر شکر خندد | بار روی تو شام بر سحر خندد |
| ۲) زمن پرسى که دل دارى چه گویم ؟ | که بس مشکل فتاده است این سؤال |
| ۳) در میان دل و دین حاصل عشاق تو چیست ؟ | که چو حکم تو درآمد زمین آن نبرد |
| ۴) از آرزوی رویت بر آستان کویت | هر دم هزار فریاد از آسمان برآید |

۱۵- نوع صفات با توجه به متن زیر در کدام گزینه درست است؟

«قفقاز تیرخورده و ستم‌دیده، نگاه منتظر و یاری‌جویش را به جنوب - جایی که سپاه عباس میرزا حرکت خود را آغاز کرده - دوخته بود. موج‌های سنگین و افسارگسیخته ارس سدوار در برابر سپاه ایستاده بود و چشم ناظران را خیره می‌کرد.»

- | | |
|---|---|
| ۱) فاعلی - مفعولی - مطلق - مفعولی - نسبی - مفعولی | ۲) فاعلی - مفعولی - مطلق - مفعولی - نسبی - فاعلی |
| ۳) فاعلی - فاعلی - نسبی - مفعولی - مطلق - نسبی | ۴) مفعولی - مفعولی - مطلق - فاعلی - نسبی - مفعولی |

۱۶- در کدام گزینه دو نوع نقش تبعی آمده است؟

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------|
| ۱) همچو نی زهری و تریاکی که دید | همچو نی دمساز و مشتاقی که دید |
| ۲) خورشید آسمان و زمین نور مشرقین | پرونده کنار رسول خدا حسین |
| ۳) خروشید و برجست لرزان ز جای | بدردید و بسپرد محضر به پای |
| ۴) یکی روبهی دید بی‌دست و پای | فرو ماند در لطف و صنع خدای |



۱۷- در کدام عبارت «نقش تبعی» وجود ندارد؟

- ① هرگز خداوند، جهان را و طبیعت را با پاییز و زمستان یا تابستان آغاز نکرده است.
- ② سخن تازه از نوروز گفتن دشوار است. نوروز یک جشن ملی است که هر ساله برپا می‌شود.
- ③ نوروز، داستان زیبایی است که در آن، طبیعت، احساس و جامعه، هر سه، دست‌اندرکارند.
- ④ نوروز، روز نخستین آفرینش، که اهورامزدا دست به خلقت جهان زد و شش روز در این کار بود.

۱۸- در کدام بیت، نقش تبعی وجود ندارد؟

- ① دل اگر بار کشد بار نگاری باری سر اگر کشته شود بر سر کاری باری
- ② جمال عارض خورشید و حسن قامت سرو تو را رسد که چو دعوی کنی بیان داری
- ③ بدین روش که تو طاووس می کنی رفتار نه برج من که همه عالم آشیان داری
- ④ بدین صفت که تویی دل چه جای خدمت توست که با چنین صنمی دست در میان داری

۱۹- تعداد جمله‌ی کدام گزینه، از سایر گزینه‌ها بیشتر است؟

- ① گاه سفر آمد برادر ره دراز است پروا مکن بشتاب همت چاره‌ساز است
- ② گاه سفر شد باره بر دامن برانیم تا بوسه‌گاه وادی ایمن برانیم
- ③ جانان من برخیز و آهنگ سفر کن گر تیغ بارد گو بیارد جان سپر کن
- ④ فرض است فرمان بردن از حکم جلودار گر تیغ بارد گو بیارد نیست دشوار

۲۰- در عبارات «این اندوه وحشی و سیاهی پر بیم بر سراپرده سوختگان هم حکومت داشت: آن‌ها هم جز این که در آن سنگلاخ‌ها و خارها، کودکان از دست‌رفته را جست‌وجو کنند یا برای اطفال از عطش سوخته، قطره‌آبی بیابند، دیگر رمقی نداشتند.» به ترتیب، چند «ترکیب وصفی» و چند «ترکیب اضافی» وجود دارد؟

- ① هفت - دو ② هشت - دو ③ هفت - سه ④ هشت - سه

۲۱- تعداد «ترکیب‌های وصفی» و «اضافی» متن «نظر رستم دو اشکال اضافی نیز دارد: یکی آن که مرگش به خود او خاتمه نمی‌یابد، همه نزدیکانش را دربر می‌گیرد و ویرانی کشورش را هم به دنبال می‌آورد؛ دوم آن که مرگ او مساوی میدان خالی کردن کسانی خواهد بود که او را تجسم آرمان‌های خود می‌دانند.» به ترتیب، کدام است؟

- ① چهار - ده ② سه - یازده ③ دو - دوازده ④ یک - سیزده

۲۲- در منظومه زیر، به ترتیب چند «ترکیب وصفی و اضافی» وجود دارد؟

«تو تنها تر از شجاعت، در گوشه روشن وجدان تاریخ ایستاده‌ای / به پاسداری از حقیقت / و صداقت، شیرین‌ترین لبخند بر لبان اراده توست / بر تالابی از خون خویش در گذرگاه تاریخ ایستاده‌ای / با جامی از فرهنگ / و بشریت رهگذار را می‌آشامانی.»

- ① سه، پنج ② سه، شش ③ چهار، پنج ④ چهار، شش

۲۳- نقش‌های اصلی و تبعی واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب کدام است؟

«چرا غم دگران می‌کند پریشا نم اگر نه رشته جان‌ها به یکدیگر بسته است؟»

- ① نهاد، قید، مفعول، مفعول ② نهاد، مسند، مفعول، نهاد ③ مضاف الیه، مسند، نهاد، مفعول ④ مفعول، قید، مفعول، نهاد

۲۴- در عبارت: «نام این روزنامه به اندازه‌ای بر سر زبان‌ها بود که مردم مدیر آن را به نام «نسیم شمال» می‌شناختند. هر روز که زمان انتشار آن می‌رسید، دسته‌دسته کودکان دوازده‌ساله در همان چاپخانه گرد می‌آمدند و چند دسته بزرگ می‌گرفتند و توزیع می‌کردند.» به ترتیب چند «ترکیب وصفی» و

۲۵- در متن زیر، چند «صفت پیشین» و چند «ترکیب وصفی» وجود دارد؟

- ① شش - هشت ② شش - هفت ③ هفت - هفت ④ هفت - هشت

یک قرن بیشتر است که اختلافات و جنگ‌های داخلی مثل کاردی بر پهلوی این کشور نشسته است، اما در این فاصله اروپا قدم‌های بزرگی برای پیشرفت برداشته است. آن‌ها کارگاه‌های متعدد صنعتی ساختند.»

- ① دو - شش ② دو - هشت ③ سه - هفت ④ سه - هشت



۲۶- در همهٔ ابیات صفت مفعولی دیده می‌شود؛ به جز

- ۱) ای دل غم‌دیده حالت به شود دل بد مکن
۲) ای دل غم این جهان فرسوده مخور
۳) چون آهوئی رمیده ز وحشت سرای شهر
۴) جان در تن ما عشق نهاده به امانت
- وین سر شوریده باز آید به سامان غم مخور
بیهوده نه‌ای غمان بیهوده مخور
رفتیم و سر به دامن صحرا گذاشتیم
امید که بر خاک در او بسپاریم

۲۷- اگر ابیات زیر را به سبب وجود تناسب‌های «تضاد، ترادف، تضمین، تناسب» به ترتیب بیاوریم، کدام گزینه این ترتیب را درست نشان می‌دهد؟

- الف) هزار دشمنم ار می‌کنند قصد هلاک
ب) گل عزیز است غنیمت شمردش صحبت
ج) با جور و جفای تو نسازیم چه سازیم
د) هر خشت که بر کنگرهٔ ایوانی است
- گرم تو دوستی از دشمنان ندارم باک
که به باغ آمد از این راه و از آن خواهد شد
چون زهره و یارا نبود چاره مداراست
انگشت وزیر یا سر سلطانی است
- ۱) د - ب - ج - الف
۲) الف - ج - ب - د
۳) الف - ب - ج - د
۴) د - ج - ب - الف

۲۸- در کدام گزینه فقط صفت فاعلی آمده‌است؟

- ۱) بیننده، آفریننده، بخشنده، درّنده، بنده
۲) درّنده، غرّنده، آفریننده، وامانده
۳) روزی‌رسان، رزمنده، آفریننده، زننده
۴) سُراینده، پرنده، پراکنده، زاینده رود

۲۹- در کدام گزینه «نقش تبعی» دیده می‌شود؟

- ۱) گر تو فرمان حق بری فرمان
۲) که علی دینت آشکار کند
۳) تو خود می‌جویی و با خویش هستی
۴) خاک ما سوختگان خوار نبینی که فلک
- بدهی بر زمانه چون شاهان
لشکر کفر تار و مار کند
ز خود گویی و بر خود عشق ورزی
نیل رخسارهٔ خود ساخت ز خاکستر ما

۳۰- نمودار کدام گروه اسمی درست کشیده نشده است؟



۳۱- در حکایت زیر کارکرد حرف «را» به ترتیب کدام است؟

- «سرخ زنبوری بر مگسِ عسل (زنبور عسل) زور آورد تا وی را طعمهٔ خود سازد. [مگسِ عسل] به زاری درآمد که با وجود این همه شهد و عسل، مرا چه قدر و محل که آن را بگذاری و به من رغبت آری؟ زنبور [سرخ] گفت: اگر آن شهد است، تو شهد را کانی و اگر آن عسل، تو سرچشمهٔ آنی.»
- ۱) حرف اضافه، نشانهٔ مفعول، حرف اضافه
۲) حرف اضافه، نشانهٔ مفعول، حرف اضافه
۳) نشانهٔ مفعول، حرف اضافه، نشانهٔ مفعول، جانشین کسره (فک اضافه)
۴) نشانهٔ مفعول، حرف اضافه، نشانهٔ مفعول، نشانهٔ مفعول، حرف اضافه

۳۲- در کدام بیت کلماتی با نقش دستوری «صفت بیانی فاعلی و صفت بیانی ساده» دیده می‌شوند؟

- ۱) منم آن قمری نالان که از بس سنگ بیدادم
۲) وحشی بسی شب تا سحر بودم پریشان، دیده‌تر
۳) یا رب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده
۴) نیست با خورشید تابان حاجت شمع و چراغ
- زدند از هر طرف از باغت ای سرو روان رفته
باقی است آن سوز جگر وان چشم گریان هم‌چنان
چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده
هر که را دل روشن است از چشم بینا فارغ است



۳۳ - در کدام بیت، دو حرف اضافه، برای یک متمم آمده است؟

- ۱) زیر ابر اندر آسمان خورشید
- ۲) هر درختی چو نوش لب صنمی ست
- ۳) القصه در این زمانه پر نیرنگ
- ۴) به دریا در منافع بی شمار است
- خیره چون در آب تیره نهنگ
- بر زمین تا به گه کشان دامن
- یک کشته به نام به که صد زنده به ننگ
- وگر خواهی سلامت بر کنار است

۳۴ - گاهی در ادبیات فارسی دو حرف اضافه «به» و «با» به جای یکدیگر به کار می روند. در کدام بیت این اتفاق رخ نداده است؟

- ۱) با زمانی دیگر انداز ای که پندم می دهی / کاین زمانم گوش بر چنگ است و دل در چنگ نیست
- ۲) بخور تا توانی به بازوی خویش / که سعیت بود در ترازوی خویش
- ۳) وه که من گر باز بینم روی یار خویش را / مردهای بینی که با دنیا دگر بار آمده است
- ۴) به نو کردن ماه / بر بام برشدم / با عقیق و سبزه و آینه

۳۵ - کدام یک از فعل های زیر مجهول نمی شود؟

- ۱) داشته است
- ۲) انگاشته بود
- ۳) دارد می نگارد
- ۴) بکارند

۳۶ - در کدام گزینه «قید» دیده نمی شود؟

- ۱) مپندار کاین شعله افسرده گردد
- ۲) تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین
- ۳) با صبا در چمن لاله سحر می گفتم
- ۴) قصد سرم داری خنجر به مش
- که بعد از من افروزد از مدفن من
- دیو آدم را نبیند غیر طین
- که شهیدان که اند این همه خونین کفنان
- خوش تر از این نیز توانیم کشت

۳۷ - در کدام گزینه تعداد ترکیب های وصفی و اضافی با هم برابر است؟

- ۱) دائم گل این بستان شاداب نمی ماند
- ۲) گفتم کی خواجه کسی به سر حجله می رود
- ۳) یا رب به که شاید گفت این نکته که در عالم
- ۴) حافظ شب هجران شد بوی خوش وصل آمد
- دریاب ضعیفان را در وقت توانایی
- گفت آن زمان که مشتری و مه قرآن کنند
- رخساره به کس ننمود آن شاهد هرجایی
- شادیت مبارک باد ای عاشق شیدایی

۳۸ - در کدام بیت، صفت لیاقت وابسته پسین است؟

- ۱) رفتن این راه دشوار است و این ره رفتنی است
- ۲) پیغام عجز من ز غرورت شنیدنی است
- ۳) دوست تا احوال ما بشنید رحمت کرد و لطف
- ۴) ز بس دنبال دل رفتم به حال مرگ افتادم
- دیگران رفتند و من هم کارسازی می کنم
- مکتوب سایه دارم و عنوان آفتاب
- خود حدیثی گفتنی بود این که من پوشیده ام
- دویدن های بی تدبیر ناخوش ماندنی دارد

۳۹ - در همه ابیات صفت مفعولی وجود دارد؛ به جز

- ۱) پیش خوبانم اعتباری نیست
- ۲) به من افتادگی صفا بخشید
- ۳) نتوان بر گرفتیم از خاک
- ۴) در نهادم سیاه کاری نیست
- جنس ارزان خریده را مانم
- سایه آرمیده را مانم
- اشک از رخ چکیده را مانم
- پرتوافشان سپیده را مانم

۴۰ - در سروده «چگونه این چنین که بلند بر زبر ماسوا ایستاده ای / در کنار تنور پیرزنی جای می گیری / و زیر مهمیز کودکانه بچگان یتیم و در بازار

تنگ کوفه»

- ۱) حروف هم پایه ساز میان جمله های پیرو آمده اند.
- ۲) حروف هم پایه ساز میان جمله های پایه آمده اند.

- ۳) سه جمله مستقل ساده دیده می شود.
- ۴) یک مورد حذف فعل به قرینه لفظی دیده می شود.



۴۱- در کدام گزینه، پیوند وابسته‌ساز به‌کار رفته است و جملهٔ مرکب شکل گرفته‌است؟

- ۱) از این پس مولانا شب و روز آرام نمی‌گرفت و به نظم مثنوی مشغول بود و شب‌ها حسام‌الدین در پیشگاه وی می‌نشست و او مثنوی می‌سرود.
- ۲) در حقیقت از این دوره (سال ۶۴۷ هـ. ق) تا هنگام درگذشت (سال ۶۷۲ هـ. ق) مولانا به همت باران نزدیک خود به نشر معارف الهی مشغول بود.
- ۳) علت شهرت او به «رومی» یا «مولانای روم» اقامت طولانی وی در شهر قونیه بوده‌است، اما جلال‌الدین همواره خود را از مردم خراسان شمرده.
- ۴) چون مولانا از یافتن شمس ناامید شده، ناچار با اصرار همراهان به قونیه بازگشت و ترتیب و ارشاد مشتاقان معرفت را از سر گرفت.

۴۲- در عبارت «این کارنامه، همان مقوای کوچک بود که یکی از دوستان روی آن نقاشی‌هایی انجام داد و آقای شایق متن آن را نوشت»، چند وابستهٔ پیشین دیده‌می‌شود؟

- ۱) دو ۲) سه ۳) چهار ۴) پنج

۴۳- در کدام گزینه نقش دستوری شاخص دیده می‌شود؟

- ۱) آقای مهربان و رؤف ای امام من
- ۲) آقا طریق و رسم ادب هست حالی‌ام
- ۳) دارای دهر شاه شجاع آفتاب ملک
- ۴) خاقان شرق و غرب که در شرق و غرب اوست
- ۱) ای صحن و بارگاه تو بیت‌الحرام عشق
- ۲) مولای من گمان نکنی دست‌خالی‌ام
- ۳) خاقان کامگار و شهنشاه نوجوان
- ۴) صاحب قران خسرو و شاه خدایگان

۴۴- در کدام بیت نقش تبعی تکرار دیده‌می‌شود؟

- ۱) با حریفان چو نشینی و زنی جامی چند
- ۲) از چپ و راست سیل‌ها برخاست
- ۳) اعتمادی نبود بر سخن نوش لبان
- ۴) نی نی تو نه مشت روزگاری
- ۱) یاد کن یاد ز ناکامی ناکامی چند
- ۲) رودها ره گرفت از چپ و راست
- ۳) آن‌چه گفت آن بت عیار دروغ است دروغ
- ۴) ای کوه نیم ز گفته خرسند

۴۵- در قطعهٔ «میوه بر شاخه شدم / سنگ‌پاره در کف کودک / طلسم معجزتی / مگر پناه دهد از گزند خویشتم / چنین که / دستِ تطاول به خود گشاده / منم!» چند ترکیب اضافی پدید آمده‌است؟

- ۱) ۳ ۲) ۴ ۳) ۵ ۴) ۶

۴۶- نقش واژه‌های مشخص‌شده را بنویسید.

- ناگهان قفل بزرگ تیرگی را می‌گشاید آنکه در دستش کلید شهر پر آینه دارد
- ۱) نهاد - صفت - مضاف‌الیه - صفت
 - ۲) نهاد - مضاف‌الیه - مضاف‌الیه - صفت
 - ۳) مفعول - مفعول - نهاد - مضاف‌الیه
 - ۴) مفعول - مضاف‌الیه - مضاف‌الیه - صفت

۴۷- در همهٔ ابیات تعداد ترکیب‌های وصفی یکسان است؛ به‌جز

- ۱) گرمی دل‌ها بود از نالهٔ جان‌سوز من
- ۲) پروا کند از باده‌کشان زاهد غافل
- ۳) شمع لرزان وجودم را، شبی آرام نیست
- ۴) ملامت‌گو چه دریابد میان عاشق و معشوق
- ۱) خندهٔ گل‌ها بود از گریهٔ مستانه‌ام
- ۲) چون کودک نادان که ز استاد گریزد
- ۳) روزها افسرده‌ام چون آب و شب‌ها آتشم
- ۴) نبیند چشم نابینا خصوص اسرار پنهانی

۴۸- گاهی بن ماضی فعل به جای اسم به‌کار می‌رود؛ مثلاً «گفت» به جای «گفتن» به‌کار می‌رود؛ در کدام گزینه این اتفاق رخ نداده است؟

- ۱) نانم افزود و آبرویم کاست
- ۲) مکن با فرومایه مردم نشست
- ۳) بدو گفت کز گفت تو نگذرم
- ۴) نکو گفت لقمان که نازیستن
- ۱) بینوایی به از مذلت خواست
- ۲) چو کردی ز هیبت فروشوی دست
- ۳) و گر تیغ بارد هوا بر سرم
- ۴) به از سال‌ها بر خط زیستن



۴۹- شمار جمله‌های کدام بیت با سه بیت دیگر یکسان نیست؟

- | | |
|------------------------------|----------------------------|
| ۱) آمد سوی کعبه سینه پر جوش | چون کعبه نهاد حلقه در گوش |
| ۲) گو یا رب از این گزاف‌کاری | توفیق دهم به رستگاری |
| ۳) دریاب که مبتلای عشقم | آزاد کن از بلای عشقم |
| ۴) گرچه ز شراب عشق مستم | عاشق‌تر از این کنم که هستم |

۵۰- در کدام گزینه بدل دیده نمی‌شود؟

- ۱) پادشاه سلجوقی روم، علاءالدین کیقباد از مقامات او آگاهی یافت و طالب دیدار وی گردید.
- ۲) شیخ عطار به پدرش بهاءالدین گفت که زود باشد که این پسر تو، آتش در سوختگان عالم زند.
- ۳) پس از درگذشت بهاءالدین، جلال‌الدین محمد به اصرار مریدان مجالس درس و وعظ را به عهده گرفت.
- ۴) عاقبت روز یکشنبه، پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هجری قمری، هنگام غروب آفتاب، مولانا درگذشت.



پاسخنامه تشریحی

۱ - گزینه ۴ هشت: این معلّم / معلّم شریف / معلّم باسواد / این نویسنده / نویسنده بزرگ / این نامه / این نویسنده / چه حد

پنج: این معلّم / این نویسنده / این نامه / این نویسنده / چه حد

۲ - گزینه ۱ خونی در دل افتاد.

گزینه ۲ «م» در خارم ← «متلایم کرد»، «م» در رخم: «دل من» / گزینه ۳ «ت» در عزیزت ← «شما یل + ت» / گزینه ۴ «ش» در بلندش ← «خاک نعل مرکبش» در جایگاه اصلی خود به کار نرفته‌اند.

۳ - گزینه ۱ «ساختند» در گزینه ۱ «به معنای ایجاد کردن» درست کردن و بنا کردن است؛ اما در گزینه‌های «۲»، «۳» و «۴» به معنای گردانیدن، کردن و نمودن به کار رفته است.

۴ - گزینه ۱ ترکیب‌های وصفی: ۱- دید تازه، ۲- همه موجودات، ۳- دیگر پدیده‌ها، ۴- دید اجتماعی، ۵- این پدیده‌ها، ۶- سروده‌های نمادین، ۷- سروده‌های انتقادی، ۸- ادب نوین، ۹- ادب

فارسی، ۱۰- جایگاه ویژه

ترکیب‌های اضافی: ۱- مطالعه شعر، ۲- شعر نیما، ۳- دید او، ۴- نگاه او، ۵- یادآور نگاه، ۶- شاعران غرب، ۷- دید نیما، ۸- سروده‌های او

۵ - گزینه ۲ «آدم» در گزینه ۲ «مفعول» است. آدم را از مثنی خاک پیدا کرد (خلق کرد).

گزینه ۱: «به یقین می‌دانم که بی‌شک تو جان جان هستی .
قید نهاد مسند مضاف‌الیه فعل اسنادی

گزینه ۳: «تو آشکار من هستی»
مسند

گزینه ۴: «تو پرده را از رخسار حقیقت برمی‌داری»
مفعول متمم فعل

۶ - گزینه ۳ حالت مرتب شده بیت: ای مرغ سحر، عشق را از پروانه بیاموز که جان آن سوخته شد (رفت) و (اما) آواز نیامد.

«را» در مصراع دوم، بدل از کسره یا همان «رای فک اضافه است و فعل جمله سوم، «شد» است نه «جان شد»! در گروه «جان آن سوخته»، «جان» هسته گروه است (نهاد اصلی) سوخته (پروانه) مضاف‌الیه و «آن» صفت مضاف‌الیه.

۷ - گزینه ۲ «صد گام» در گزینه ۲ (قید می‌باشد اما قسمت‌های مشخص شده در سایر گزینه‌ها مفعول می‌باشند).

۱) از هم هفتاد حرب را رد نمودند
مفعول

۳) پس دست خیرگشا را برافراخت
مفعول

۴) چون شاهد آرزو رخ را نمود (رخش را نشان نداد)
مفعول

۸ - گزینه ۲ «ت» در واژه هنوزت مضاف‌الیه خواهش است ← هنوز اجل دست خواهش + ت نیست

۹ - گزینه ۳ ترکیب‌های اضافی: منکر جان - منکر جانان - جانان ما - زخم انکار - جان ما

در این گزینه ترکیب وصفی دیده نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «چه جانانه (وصفی) - چرخ جنون (اضافی) - دف عشق (اضافی) - دست خون (اضافی)

گزینه ۲: «خورشید فریاد - فریادشان - گلویشان (اضافی) - گلوی سحرزاد (وصفی)

گزینه ۴: «فرط عشق (اضافی) - اولین شرط (وصفی) - شرط عشق (اضافی)

۱۰ - گزینه ۲ اولین ← صفت / همایش ← اسم / پرافتخار ← صفت / مردان ← اسم / قهرمان ← صفت / کشورها ← اسم / مختلف ← صفت / جهان ← اسم

۱۱ - گزینه ۲ جای اصلی ضمیر در مصراع دوم چنین است: تا تو دست به خون من نیالایی.

۱۲ - گزینه ۳

جمله دوم اسنادی نیست، چون فعل «است» در معنی «وجود دارد» مسند نمی‌پذیرد.

لاله‌ها وجود دارند (است) باغ در
نهاد (فعل غیر اسنادی متمم)

گزینه ۱) جمله سوم اسنادی است

لاله‌ها خموش اند (هستند)

نهاد مسند اسنادی

گزینه ۲) «بین» فعل مفعول‌پذیر است. حتی اگر نهاد محذوف هم باشد، جزء جمله است.

تو لاله‌ها را بین
نهاد مفعول فعل

گزینه ۴) درست است ← بین (یک جمله) لاله‌ها در باغ است (یک جمله) / خموشند (یک جمله) فریادشان تا خداست (یک جمله) = ۴ جمله

۱۲ - گزینه ۱ شیوه‌ی بلاغی جا به جایی ترتیب اجزای جمله است اما در گزینه ۱ اجزای اصلی جمله سر جای خود قرار گرفته‌اند و از «شیوه عادی» بهره جسته است:

هنرور چنین زندگانی کند جفا ببندد مهریانی کند
نهاد مفعول فعل مفعول فعل مفعول فعل



۱۴ - گزینه ۲ ز من (از من) متمم اجباری و مقدم بر فعل خود آمده است.

۱۵ - گزینه ۴ تیرخورده: (مفعولی) / ستم دیده: (مفعولی) / منتظر: (مطلق) / یاری جوی: (فاعلی مرکب مرخم) / سنگین: (نسبی) / افسار گسیخته: (مفعولی).

۱۶ - گزینه ۲ در گزینه ۲ (۲) دو نوع تبعی به کار رفته است.

زمین نقش تبعی معطوف و «نور مشرقین»، «پرورده کنار رسول خدا» و «حسین» هر سه بدل می باشند.

(۱) دوبار نقش تبعی معطوف آمده است: تریاق و مشتاق (دوبار آمده نه دو نوع)

(۳) نقش تبعی اصلاً به کار نرفته است زیرا او بین جمله ها آمده و حرف ربط محسوب می شود.

(۴) دوبار نقش تبعی معطوف آمده «پای» و «صنع»

توجه: بی دست و پای صفت روباه می باشد و بدل نیست.

۱۷ - گزینه ۲ در گزینه ۱ و ۳ معطوف و در گزینه ۴ بدل دیده می شود («روز نخستین آفرینش» بدل «نوروز» است).

درست است که «نوروز» در گزینه دوم دو بار آمده است اما نقش تکرار ندارد؛ زیرا در دو جمله در دو نقش متفاوت آمده است.

نقش تکرار، یعنی به کار رفتن یک واژه در یک جمله در یک نقش، نمونه: نوروز جشن ملی ماست، نوروز.

۱۸ - گزینه ۴ ۱- بار و بار - تکرار / ۲- حسن قامت سرو - معطوف / ۳- طاووس - بدل

۱۹ - گزینه ۳ بیت مذکور در این گزینه، هفت جمله است:

۱- ای جانان من ۲- برخیز ۳- آهنگ سفر کن ۴- اگر تیغ بیارد ۵- بگو ۶- بیارد ۷- جان سپر کن

بیت مذکور در گزینه ی (۱) شش جمله است:

۱- ای برادر ۲- گاه سفر آمد ۳- ره دراز است ۴- پروا مکن ۵- بشتاب ۶- همت چاره ساز است

بیت مذکور در گزینه ی (۲) سه جمله است:

۱- گاه سفر شد ۲- باره بر دامن برانیم ۳- تا بوسه گاه وادی ایمن برانیم

بیت مذکور در گزینه ی (۴) پنج جمله است:

۱- فرمان بردن از حکم جلودار فرض است ۲- اگر تیغ بیارد ۳- بگو ۴- بیارد ۵- دشوار نیست «فرمان بردن» مصدر است و اسم محسوب می شود. خلاصه این که فعل «نیست» یک جمله شمرده می شود.

۲۰ - گزینه ۲ ترکیب های وصفی:

۱- این اندوه - ۲- این سیاهی - ۳- سیاهی پُرییم - ۴- آن سنگلاخ - ۵- آن خاراها - ۶- کودکان از دست رفته - ۷- اطفال از عطش سوخته - ۸- اندوه وحشی

ترکیب های اضافی: ۱- سراپرده سوختگان - ۲- قطره آب

۲۱ - گزینه ۲ ترکیب های وصفی: دو اشکال/اشکال اضافی/ همه ی نزدیکان (۳ ترکیب)

ترکیب های اضافی: نظر رستم/مرگش/خود او/نزدیکانش/ویرانی کشور/کشورش/مرگ او/مساوی میدان خالی کردن/میدان خالی کردن کسانی/تجسم آرمان/آرمان های خود (۱۱ ترکیب)

۲۲ - گزینه ۲ ترکیب های وصفی: ۱- گوشه روشن ۲- شیرین ترین لیخنند ۳- بشریت رهگذار

ترکیب های اضافی: ۱- گوشه وجدان ۲- وجدان تاریخ ۳- لبان اراده ۴- اراده تو ۵- خون خویش ۶- گذرگاه تاریخ

۲۳ - گزینه ۲ مرتب شده مصراع اول: چرا غم دگران من (م) را پَریشان می کند.

غم: نهاد / پَریشان: مسند / «م»: مفعول

اگر نه رشته جان ها به یکدیگر بسته است؟

نهاد

۲۴ - گزینه ۲ ترکیبات وصفی: ۱- این روزنامه، ۲- هر روز، ۳- کودکان دوازده ساله، ۴- همان چاپخانه، ۵- چند دسته، ۶- دسته بزرگ

ترکیبات اضافی: ۱- نام روزنامه، ۲- سر زبان ها، ۳- مدیر آن ۴- نام نسیم، ۵- نسیم شمال، ۶- زمان انتشار ۷- انتشار آن

۲۵ - گزینه ۴ یک قرن، این کشور، این فاصله، صفت های پیشین هستند که به ترتیب از نوع شمارشی و اشاره و اشاره هستند.

ترکیب های وصفی: علاوه بر سه صفت پیشین که ترکیب های وصفی ساخته اند، عبارت های اختلافات داخلی، جنگ های داخلی، قدم های بزرگ، کارگاه های متعدد و کارگاه های صنعتی هم ترکیب وصفی اند.

۲۶ - گزینه ۴ غم دیده، شوریده، رمیده و فرسوده صفت مفعولی می باشند.

در بیت چهارم "نهاد" فعل می باشد: جان در تن ما عشق را به امانت نهاده است.

۲۷ - گزینه ۲ دشمن و دوست تضاد، گل و باغ تضمین، جور و جفا ترادف، (خشت و کنگره و ایوان) یا (وزیر و سلطان) یا (انگشت و سر) تناسب دارند.

۲۸ - گزینه ۳ «وامانده» و «پراکنده» صفت مفعولی هستند. (خودتان فکر کنید).

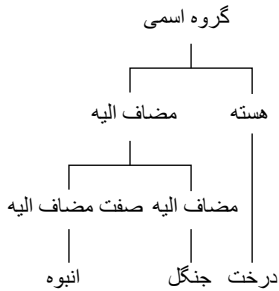
«بنده» از «بند + ه» تشکیل شده است. اما «بند» نه بن ماضی است، نه بن مضارع. «بنده» یعنی کسی که در بند فرد دیگری است.

«زنده» اصلاً تجزیه نمی شود؛ زیرا «زند» در فارسی امروز معنایی ندارد.

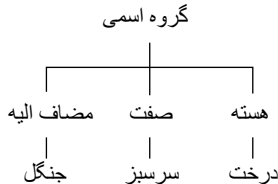
۲۹ - گزینه ۴ گزینه ۱: «فرمان» دوم نقش تکرار نیست بلکه مربوط به جمله مصراع دوم است: اگر تو فرمان حق (خدا) ببری، چون شاهان بر زمانه فرمان بدهی. // گزینه ۲: «تار و مار» یک واژه ست و معطوفی در کار نیست. // گزینه ۳: «خود» بدل نیست، مفعول جمله است: تو خود را می جویی. در جمله های بعدی هم «خود» متمم است نه بدل. // گزینه ۴: «سوختگان» بدل «ما» است.

۳۰ - گزینه ۱ در هر گروه اسمی فقط یک هسته داریم مگر آن که حروف «و، یا» دو یا چند هسته را هم پایه کرده باشند. (مانند گزینه های ۳ و ۴)

مضاف الیه می تواند خودش به راحتی صفت یا مضاف الیه بگیرد؛ مثلاً در گروه «درخت جنگل» جنگل مضاف الیه درخت است که خودش می تواند به راحتی صفت بگیرد: «درخت جنگل انبوه» در این جا انبوه، صفت مضاف الیه است یعنی وابسته و وابسته است و نمودار آن باید به این شکل کشیده شود:



اگر «درخت» بخواهد صفت بگیرد، باید صفتش پیش از مضاف‌الیه‌اش بیاید؛ زیرا در زبان فارسی نخست صفت یک اسم می‌آید و سپس مضاف‌الیه آن؛ نمونه: درختِ سرسبز جنگل
حالا شکل درست نمودار گروه اسمی «دست درویش پیر» را خودتان بکشید.



۳۱ - گزینه ۳ وی را طعمه خود (سازد) (=گرداند)
مفعول مسند

مرا چه قدر است = برای من چه قدر (و ارزشی) هست (= وجود دارد)
متمم نهاد

آن را گذاری (= رها کنی)
مفعول

تو شاهد را کانی = تو کان (معدن) شاهد هستی <=> «را، جانشین کسره است»
نهاد مسند فعل

۳۲ - گزینه ۳ بیت اول: نالان: صفت فاعلی / روان: فاعلی

بیت دوم: پربشان و باقی: مسند / گریان: فاعلی

بیت سوم: بینا: فاعلی / آگاه و بیدار: ساده

بیت چهارم: تابان: فاعلی / بینا: فاعلی / روشن: مسند

۳۳ - گزینه ۴ به دریا در = در دریا

گزینه ۱: زیر ابر، در آسمان خورشید است: هر حرف اضافه‌ای متمم خود را دارد.

۳۴ - گزینه ۴ با زمانی دیگر اندازه‌ای که پندم می‌دهی = ای کسی که به من پند می‌دهی، [پند دادنت را] به زمانی دیگر ببنداز.

بخور تا توانی به بازوی خویش = تا می‌توانی با بازو (تلاش) خودت روزی کسب کن.

مرده‌ای بینی که با دنیا دگر بار آمده است = مرده‌ای را می‌بینی که دیگر بار به دنیا آمده است.

در گزینه چهارم «به» به معنی «برای» آمده است و «با» سر جای خودش درست نشسته است.

۳۵ - گزینه ۱ «داشتن» فعل گذرا به مفعولی است که استثنائاً مجهول نمی‌شود؛ یعنی هیچ‌گاه «داشته است» را به «داشته‌شده است» تبدیل نمی‌کنیم؛ اما حالت مجهول سه فعل دیگر کاربرد دارد:

انگاشته‌بود <=> انگاشته‌شده‌بود // داردمی‌نگارد <=> داردنگاشته‌می‌شود. // بکارند <=> کاشته‌شوند

۳۶ - گزینه ۲ «بعد از من»، «سحر» و «خنجر به مشّت» در سه گزینه دیگر، قید هستند.

۳۷ - گزینه ۲ در این بیت یک ترکیب وصفی و یک ترکیب اضافی آمده است. آن زمان: ترکیب وصفی و سر جمله: ترکیب اضافی

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «۱»: وصفی: این بستان / اضافی: گل بستان - وقت توانایی

گزینه ۳: «۳»: وصفی: این نکته - آن شاهد - شاهد هر جایی / اضافی: -

گزینه ۴: «۴»: وصفی: بوی خوش / اضافی: شب هجران - بوی وصل - شادیت - عاشق شیدایی

۳۸ - گزینه ۳ در حدیثی گفتنی، گفتنی "صفت لیاقت" و وابسته پسین «حدیثی» است.

ر. بقیه ابیات "رفتنی، شنیدنی و ماندنی" از نظر ساخت، صفت لیاقت می‌باشند؛ ولی نقش‌های دستوری متفاوتی دارند:

رفتنی، شنیدنی: مسند

ماندنی: مفعول

۳۹ - گزینه ۴ "ارزان خریده، از رخ چکید و آرمیده" صفات مفعولی هستند.

لمّه سپیده در گزینه چهارم اسم است و نقش متمم دارد.

۴۰ - گزینه ۲ «این چنین که» را باید حرف ربط وابسته‌ساز در نظر بگیریم <=> «بلند بر ز بر ما سوا ایستاده‌ای، پیرو است برای ۱. چگونه در کنار تنور پیرزنی جای می‌گیری و ۲. چگونه زیر مهمیز



کودکانهٔ بچه‌گان یتیم [جای می‌گیری] و [چگونه] در بازار تنگ کوفه [جای می‌گیری]

۴۱ - گزینه ۴ در گزینهٔ چهارم «چون» به معنی «وقتی که» یا «به این دلیل که» آمده‌است و پیوند وابسته‌ساز است.

«اما، ولی، لیکن، بلکه» پیوند هم‌پایه‌ساز هستند.

۴۲ - گزینه ۱ «این» صفت «کارنامه» است. «همان» صفت «مقواها» است. «آن» صفت «نقاشی‌ها» نیست زیرا میان آن‌ها درنگ می‌آید: «روی آن، نقاشی‌هایی انجام داد». «آقا» شاخص نیست زیرا «شایق» با کسره وابستهٔ آن شده‌است «آقا، هسته است و «شایق» مضاف‌الیه.

۴۳ - گزینه ۳ تنها در این گزینه شاخص وجود دارد. در سایر گزینه‌ها کلمات «آقا، امام، مولا، خاقان و شاه» نقش‌های اصلی پذیرفته‌اند و شاخص به حساب نمی‌آیند.

۴۴ - گزینه ۲ گزینهٔ ۱: «یاد» دوم نقش تکرار دارد. // گزینهٔ ۲: «راست» معطوف است. // گزینهٔ ۳: «دروغ» دوم نقش تکرار دارد. // «نی» دوم نقش تکرار دارد (تکرار قید نفی)

۴۵ - گزینه ۲ ۱- «کودک» مضاف‌الیه است. ۲- «معجزت» مضاف‌الیه است. ۳- «خویشتن» مضاف‌الیه است. ۴- تطاول (ستم) مضاف‌الیه است.

«م» در پایان «خویشتن» متمم جمله است: مگر طلسم معجزه‌ای از گزند خویشتن پناهم دهد (به من پناه دهد).

۴۶ - گزینه ۴

قفل تیرگی را می‌کشاید در دست او کلید شهر پرآینه وجود دارد.
مفعول مضاف‌الیه مضاف‌الیه صفت

۴۷ - گزینه ۳ بیت اول: نالهٔ جان‌سوز - گریهٔ مستانه

بیت دوم: زاهد غافل - کودک نادان

بیت سوم: شمع لرزان

بیت چهارم: چشم نابینا - اسرار پنهانی

۴۸ - گزینه ۴ ۱: بینوایی بهتر است از مذلت (خواری) خواست = خواستن (خواهش و تمنا کردن)

۲: مکن با مردم فرومایه نشست (همنشینی و نشست و برخاست) مکن

۳: به او گفت (فعل) از گفت (گفتن، سخن) تو نمی‌گذرم

۴: «گفت» که فعل است و «نازیستن» و «زیستن» هم مصدر هستند نه بن ماضی.

۴۹ - گزینه ۱ ۱) آمد سوی کعبه سینه پر جوش / چون کعبه نهاد حلقه در گوش
۱ ۲ ۳

«سینه پر جوش» قید جمله نخست است و حالت نهاد (پدر مجنون) را هنگام نزدیک شدن به کعبه نشان می‌دهد.

۲) گو یارب از این گراف کاری به رستگاری توفیق ده
۱ ۲ ۳

۳) دریاب که مبتلای عشقم / آزاد کن از بلای عشقم
۱ ۲ ۳

۴) گرچه ز شراب عشق مستم / عاشق‌تر از این کنم که هستم
۱ ۲ ۳

۵۰ - گزینه ۳ «جلال‌الدین محمد» که همان «بهاء‌الدین» نیست!

«علاء‌الدین کیقباد» بدل «پادشاه سلجوقی روم» است.

«بهاء‌الدین» بدل «پدرش» است.

پنجم جمادی‌الآخر سال ۶۷۲ هجری قمری «بدل» روز «یکشنبه» است.

پاسخنامه کلیدی

۱ - ۴	۹ - ۳	۱۷ - ۲	۲۵ - ۴	۳۳ - ۴	۴۱ - ۴	۴۹ - ۱
۲ - ۱	۱۰ - ۲	۱۸ - ۴	۲۶ - ۴	۳۴ - ۴	۴۲ - ۱	۵۰ - ۳
۳ - ۱	۱۱ - ۲	۱۹ - ۳	۲۷ - ۲	۳۵ - ۱	۴۳ - ۳	
۴ - ۱	۱۲ - ۳	۲۰ - ۲	۲۸ - ۳	۳۶ - ۲	۴۴ - ۲	
۵ - ۲	۱۳ - ۱	۲۱ - ۲	۲۹ - ۴	۳۷ - ۲	۴۵ - ۲	
۶ - ۳	۱۴ - ۲	۲۲ - ۲	۳۰ - ۱	۳۸ - ۳	۴۶ - ۴	
۷ - ۲	۱۵ - ۴	۲۳ - ۲	۳۱ - ۳	۳۹ - ۴	۴۷ - ۳	
۸ - ۲	۱۶ - ۲	۲۴ - ۲	۳۲ - ۳	۴۰ - ۲	۴۸ - ۴	